



دکتر فریدون سیامکنزاد

مقدمه

صبح که از خانه بیرون می‌زنیم تا راهی محل کار شویم، با افراد زیادی برخورد می‌گیریم و روبه‌رو می‌شویم که هر کدام می‌تواند برای انسان خاطره‌انگیز باشد. از برخورد احتمالی با رفتگر زحمتکش محله گرفته تا دیدن کسانی که هر یک به‌دلیلی سر راهمان قرار می‌گیرند و ممکن است اگر قدیمی محل باشیم، سلام و علیکی هم با ما داشته باشند. از وقتی سوار وسیله نقلیه عمومی اعم از اتوبوس، مترو یا تاکسی می‌شویم تا زمانی که آن را ترک می‌گیریم، کسانی را می‌بینیم و حرف‌هایی می‌شنویم که هر کدام آن‌ها می‌تواند خاطره‌ای برایمان باشد، یا خاطره‌ای را از زمان‌های دور برایمان زنده کند. به محل کار هم که می‌رسیم و کار را شروع می‌گیریم، بستگی به نوع کاری که داریم، همه‌اش می‌تواند تداعی‌کننده مسأله یا احیاناً خاطره‌ای باشد. حالا اگر کارمان طوری باشد که ارتباط مستقیم با مردم داشته باشیم، به اندازه تفاوت بین انسان‌ها و مردمی که برای کارشان به ما مراجعه می‌کنند، می‌توانیم حرف برای گفتن داشته باشیم و خاطره برای بازگو کردن.

با این صغری و کبری چیدن‌ها می‌رسیم به این که داروخانه از جمله مکان‌هایی است که کار کردن در آن، یک دنیا حرف برای گفتن و یک سینه خاطره برای بازگو کردن دارد.

بنابراین، تصمیم گرفتیم تا مسایل به‌وجود آمده در داروخانه را تحت عنوان «یادداشت‌های داروخانه» قلمی کنیم. مطالبی که در پی می‌آید، حاصل این تلاش و نتیجه حضور در داروخانه در برخورد با بیماران و مسایل جاری داروخانه است. تا چه قبول افتد و چه در نظر آید.

یادداشت ۱

اسپری سرتاید به صورت ۵۰، ۱۲۵ و ۲۵۰ وجود دارد که شامل سالمتروپول و فلوتیگازون می‌باشد. در بیماری‌های تنفسی مثل آسم و غیره مصرف می‌شود. نوع دیسکی هم دارد که به صورت پودر است و برای کسانی است که نسبت به گاز اسپری حساس هستند.

یکی از دوستان محلی، نوع دیسکی آن را طلب کرد و من نوع مشابه آن را که بیشتر در بازار وجود دارد، پیشنهاد کردم که گفت سعی می‌کنم نوع دیسکی را پیدا کنم. پس از مدتی باز هم مراجعه کرد و با ناراحتی اظهار داشت که پیدا نکرده و از من کمک خواست. توسط یکی از همکاران با داروخانه‌ای در کرج تماس گرفتیم و خوشبختانه نوع دیسکی سرتاید را داشت و توسط پیک فرستاد و به دوست محلی تحویل دادیم و شرط محلی بودن و دوستی را به نحو اکمل به گفته خودش به جا آوردیم.

یادداشت ۲

خانمی راجع به مادرش می‌گفت که سرماخوردگی دارد و آنتی‌بیوتیک می‌خواست و اظهار می‌کرد که دو ماه است که خوب نمی‌شود. ضمناً می‌گفت که دکترش برایش شربت تقویتی نوشته بود، ولی چون دارو زیاد می‌خورد، شربت را به او ندادم!

ضمن این که راهنمایی‌اش می‌کردم که آنتی‌بیوتیک در سرماخوردگی کاربردی ندارد و راه‌های درمانش چیز دیگری است، نکاتی را در مورد مصرف مولتی ویتامین‌ها برایش شرح دادم.

به ایشان تذکر دادم که در سنین بالا، مولتی‌ویتامین‌ها چه در دوران بیماری و چه در دوران سلامتی باعث افزایش مقاومت بدن شده و باید حتماً همراه با داروهای دیگر به مریض داده شود. از نوع و کارخانه‌اش سؤال کرد، که گفتم مهم، کامل بودن ویتامین‌های موجود در آن است.

یادداشت ۳

نیمه دوم سال به دلیل بلند بودن شب‌ها، معمولاً از ساعت ۸/۱۵ به بعد کمتر مراجعه‌کننده داریم. تقریباً آن پانزده دقیقه آخر تا ساعت ۸/۵ معمولاً کسی مراجعه نمی‌کند و اگر هم باشد، بسیار نادر و اندک است. این بود که ساعت ۸/۵ شب بستیم و رفتیم. راهرو ساختمان را طی کردیم و از ساختمان خارج شدیم. تکنیسین داروخانه هم همراهم بود. کسی تو تاریکی گفت: حاج آقا لطفاً این سه هزار تومان را که من به داروخانه بدهکار بودم را بگیرید. تکنیسین گفت: فردا مراجعه کنید!

بنده خدا به درستی گفت: چه کسی از فردایش خبر دارد؟ بدهی را باید زودتر داد. عجب مردم پای‌بند حرام و حلال هستند و از بدهی می‌ترسند! در واقع، مردم واقعاً خدا ترس هستند و این نکته ربطی به مسایل جاری مملکت ندارد!

یادداشت ۴

قبل از این که در صف نماز جماعت قرار بگیرم، حاج آقای ابراهیمی پیش‌نماز مسجد که روی سجاده نشسته بود، به من اشاره کرد و کنارش قرار گرفتم. بعد از سلام و علیک و به اصطلاح

چاق سلامتی، راجع به غلیظ بودن خلط سینه‌اش سؤال کرد و این که «برم‌هگزین» برایش خوب است یا خیر؟

به ایشان گفتم که اثر درمانی برم‌هگزین برای همین مسأله‌ای است که شما عنوان می‌کنید.

بعد از آن راجع به این که قرص بهتر است یا شربت، پرسید که برایش چنین شرح دادم:

شربت برای سنین پایین و کسانی است که نمی‌توانند قرص بخورند. اگر شما مشکلی در این مورد ندارید، قرص برایتان بهتر است.

یادداشت ۵

من را در داروخانه به کناری کشید و ماجرای بیماری‌اش را برایم شرح داد. مردی حدوداً ۴۵ ساله بود و مشکل نعوذ داشت. می‌گفت که انواع و اقسام داروها و دمنوش‌های گیاهی را به توصیه این و آن مصرف کرده و دست آخر هم به توصیه دوستی به ناصر خسرو رفته و یک پماد تهیه کرده و چند روزی مصرف کرده که تأثیر نداشته است. از من راهنمایی می‌خواست.

برایش شرح دادم که باید به پزشک متخصص مجاری ادرار مراجعه کند تا ایشان برایش آزمایش بدهد و براساس نتایج به‌دست آمده دارو بدهد تا

مشکل حل شود.

اصرار زیادی داشت که من به‌عنوان داروساز به ایشان دارو بدهم که گفتم هر کاری را باید از راه درستش پیگیری کند و راهی‌اش کردم!

یادداشت ۶

مردی میان سال یک بسته خالی داروی خارجی را آورد و تقاضای آن را داشت. به ایشان تذکر دادم که فعلاً موجود نیست، ولی مشابه ساخت داخل آن هست. برای ایشان آوردم و کاملاً توضیح دادم که خواص آن چیست و دستور مصرفش کدام است. ولی قیمتش را که همراه با تعرفه داروهای OTC به ایشان گفتم، در جواب گفت: مگر چه کار کردید که تعرفه می‌خواهید؟

گفتم: این همه توضیح و معرفی هزینه ندارد؟ تازه بخشنامه وزارت بهداشت، انجمن داروسازان و سازمان نظام پزشکی است! غرغر می‌کرد و بدون دارو از داروخانه خارج شد. این مسأله هم هنوز برای خیلی از بیماران جا نیفتاده است که مشاوره دکتر داروساز برای بیمار به‌منظور انتخاب بهتر دارو و مصرف صحیح آن هزینه‌ای دارد که به آن «تعرفه حق فنی» می‌گویند. یعنی همان چیزی که در مراجعه به پزشک به آن «ویزیت» می‌گویند.